

پرسش ۲۳۲: چگونه از منیت خلاص شوم؟

السؤال / ۲۳۲: بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم صل على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

السلام عليك يا سيدي ومولاي يا رسول الإمام المهدي، السلام عليك يا نبي الله، السلام عليك يا من يرزق الناس بفضله، السلام عليك يا من لولاه ساخت الأرض بعمارها، السلام عليك يا فادي عيسى، السلام عليك يا بن النبي المصطفى وبن علي المرتضى وبن فاطمة الزهراء، إني أستغفر الله وأتوب إليه من عظيم جرمي وذنبي الذي سود عندك وجهي يا مولاي ومالك رقي، وأي ذنب أعظم من تقصيري في حقك، فاغفر لي.

سيدي يا يوسف آل محمد، أراني الله رؤيا وكنت تخاطبني فيها يا مولاي وقلت لي ما معناه: مننا عليك بنعم وأريناك رؤى كما أرينا المؤمنين، تخلصي من الأناية.

سيدي ومولاي أعلم أن ليس على وجه الأرض من هو أشد جرأة على سيده مني ولا أكثر معصية مني وأني لا أستحق أن أكلّمك سيدي، لكني أرجو الله دائماً أن تعفو عني وأدعوه تعالى أن يرزقني قلباً سليماً، وأن يجعلني من خالص أتباعك ومن خدامك المطيعين.

أرجوك سيدي كيف أتخلص من الأناية؟

أتوسل إليك مولاي أعف عن أمتك وتجاوز عنها فلا مولى لها سواك، مولاي يا مولاي أنت المولى وأنا العبد وهل يرحم العبد إلا المولى، والحمد لله وحده وحده.

المرسل: YA MAHDI

بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم صل على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

سلام بر تو ای مولا و آقای من و فرستاده‌ی امام مهدی (ع)! سلام بر تو ای نبیّ خدا! سلام بر تو که با فضلش به مردم روزی می‌رسانی! سلام بر تو که اگر نبودی زمین با اهلش ویران می‌شد! سلام بر تو ای فداشده‌ی عیسی (ع)! سلام بر تو ای فرزند نبی

مصطفی و فرزند علی مرتضی و فرزند فاطمه‌ی زهرا! به درگاه خدا استغفار می‌کنم و از گناهانی که چهره‌ام را نزد تو سیاه کرده است، به سوی خدا باز می‌گردم، ای مولای من، ای مالک بندگی‌ام! چه گناهی بالاتر از کوتاهی در حق تو! پس مرا ببخشای.

آقای من، ای یوسف آل محمد(ع)! خداوند به من رویایی نشان داد و شما در آن رویا با من سخن می‌گفتی، ای آقای من. به من چیزی می‌فرمودی که معنایش چنین بود: «با نعمت‌هایی بر تو منت نهادیم! و به تو رویایی را نشان دادیم همان‌گونه که به مومنین نشان می‌دهیم، از منیت رها شو».

آقا و مولای من! می‌دانم کسی روی این زمین وجود ندارد که بیشتر از من بر آقایش جرات داشته باشد و گناه‌کارتر از من وجود ندارد و من شایسته نیستم که با تو سخن بگویم، ای آقای من. ولی مرتب از خدا امید دارم که مرا ببخشی و از خدای متعال می‌خواهم که به من قلبی سالم ببخشد و مرا از یاران خالصت و خادمان مطیعت قرار دهد.

به تو امید دارم ای آقای من، چگونه از انانیت (منیت) رها شوم؟
به تو توسل می‌جویم ای مولای من که از امت تو بازمانم و از آن تجاوز نکنم و مولایی جز تو ندارم. مولای من، ای مولای من، تو مولایی و من بنده و آیا شایسته است که بنده جز از مولا انتظار ترحم داشته باشد؟ والحمد لله وحده، وحده، وحده.

فرستنده: YA MAHDI

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

الإنسان يتخلص من الأنا عندما لا يرى نفسه ولا يرى إلا ربه قبل كل شيء ومع كل شيء وبعد كل شيء. ودائماً فلنلتفت إلى الشيطان والشر المستبطن فينا ولنعمل كل ما في وسعنا لقتله فأعدى أعدائنا هي أنفسنا [93]، هذه النفس التي تقف بصلافة ودون حياء لتثبت أنها موجودة في مقابل وجود الله سبحانه وتعالى،

ربما إن تحرك الإنسان بهذا الاتجاه وراقب وحارب عدوه بل ألد أعداءه نفسه سيصل إلى ما شاء الله من المعرفة التي يريدها الله للإنسان.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

انسان وقتی از منیت رها می‌شود که خود را نبیند و جز پروردگارش را پیش از هر چیز، و با هر چیز و پس از هر چیز، نبیند. دایم باید متوجه شیطان و شری که در درون ما است، باشیم و باید هر چه در توان داریم برای کشتن آن به کار بریم. دشمن‌ترین دشمنان ما، نفس خود ما است [94]. این نفس است که بدون حیا و با صدای بلند فریاد برمی‌آورد، تا ثابت کند که در برابر خدای سبحان و متعال وجود دارد. چه بسا اگر انسان در این جهت حرکت کند و مراقبت نماید و با دشمنش، بلکه بدترین دشمنش، یعنی نفس خودش بجنگد به آن میزان معرفت که خدا برای انسان اراده فرموده است، خواهد رسید.

أما إن كنتم تريدون الحق كله فالحق أقول لكم إننا لا بد أن نخجل مما نحن فيه فماذا نريد نحن؟؟ نريد الآخرة نريد الجنة نريد بقاءً وخلوداً وكمالاً و .. و، ولكن من منا يستحي من كرم الله، وعندما ينظر إلى وجوده لا يريد ولا يرضى أن يكون موجوداً في مقابل الله سبحانه فلا يختار البقاء والخلود ولا حتى في الآخرة والجنة، بل يطلب الفناء حياءً من الله؟؟

أحمد الحسن

اما اگر طالب همه‌ی حق باشد، پس به حق به شما می‌گویم: ما ناچاریم که از آنچه در آن هستیم، خجالت‌زده باشیم؛ ما چه می‌خواهیم؟ آخرت را می‌خواهیم، بهشت را می‌خواهیم، بقا و جاودانگی و کمال و.... و.... را می‌خواهیم. ولی کیست از ما که از

گرم خدا حیا کند؟ و آنگاه که به وجود خود بنگرد، نخواهد و راضی نشود که در برابر
خدای سبحان، وجود داشته باشد؟ و بقا و جاودانگی را نطلبد و حتی به دنبال آخرت و
بهشت هم نباشد، بلکه فنا و نیستی را حیاتی از طرف خدا بخواهد؟

احمد الحسن

[93] - یشیر (ع) إلى قول جدّه رسول الله (ع): (أعدى عدوك نفسك التي بين جنبيك) عوالي اللئالي: ج 4 ص 118، بحار
الأنوار: ج 67 ص 36.

[94] - ایشان (ع) به سخن جدش رسول الله (ص) اشاره می فرمایند: «دشمن ترین دشمنان تو، نفس تو است که بین دو
پهلویت قرار دارد». عوالی اللئالی: ج 4 ص 118 ؛ بحار الانوار: ج 67 ص 36.